

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

### (بخش 33)

#### مارتروریسم، مارگیران پاکستانی را میگذرد

به ارتباط با تمرد های نوکردر برابرِ با داردر پاکستان باید گفت که ترورِ "بینظیر بوتو" صدر اعظم سابق پاکستان، " سلمان تاثیر" گورنر جنرالِ ولایت پنجاب، "شهبازاتی" وزیر امور اقلیتهای مذهبی کابینه فدرال، اشغالِ برخی مناطق قبایلی، انفجارهای خونین در کراچی، راولپندی، پشاور و اسلام آباد، قتل " کرنیل امام " یکی از پرورش دهنده گانِ گروه طالبان و افسرِ کارکشته آ.اس.آی، کشتارِ گروهی از سربازانِ پاکستانی و سایر اقداماتِ تروریستی از جمله همان تمرد ها و نا فرمانی های نوکرانِ در برابرِ اربابانِ شان میباشد که جا دارد در اینجا موضوع ترورِ " بینظیر بوتو" در پاکستان را بگونه خاص مثال بیاوریم. همه میدانند که در تحتِ حاکمیتِ بینظیر بوتو بود که برای نخستین بار دایره شیطانی پروژه طالبان علیه جان و مالِ مردم افغانستان بسته شد. یعنی او بحیث صدر اعظم پاکستان، با همکاری جنرال متقاعد (نصیر الله بائر) وزیر امور داخله و جنرالانِ سازمانِ اطلاعاتِ ارتشِ آن کشور در پای توطئه طالب سازی با حکومت های بریتانیا، عربستان سعودی و ایالاتِ متحده امریکا امضا گذاشت و لقبِ " مادرِ معنوی طالبان" را کمایی کرد. همین بینظیر بوتو بود که پس از عقدِ پیمانِ ویرانگرانه طالب سازی علیه مردم افغانستان، با شادمانی و غرور، نظاره گر فورانِ خونِ انسانها، دهشتِ بی مانندِ ضد بشری و جریانِ سرکوب، تحقیر و به اسارت کشیدنِ زنان و دوشیزه گانِ معصومِ در شهرها و روستا های افغانستان گردید. اما،

وقتی پس از هشت سال تبعید سیاسی مجدداً به پاکستان برگشت تا این بار، در چارچوب یک تبنانی و تعهد جدید با اربابان قدرت، داخل اقدامات معکوس علیه دست پرورده گان خودش شود، توسط همان فرزندان پرورش یافته دست خودش در سال 2007 میلادی و در یک تجمع انتخاباتی پارچه پارچه ساخته شد.

چند ماه قبل از آن نیز، حین بازگشت بینظیر از تبعید، انفجار عظیمی در میان کاروان استقبال کننده های وی رخ داد که بیشتر از یکصد نفر کشته شدند و چند صد نفر دیگر زخمی گردیدند. هر چند کارشناسان (اف.بی.آی) امریکا نیز قضیه ترور را پی گرفتند، ولی باز هم عامل یا عوامل اصلی پنهان نگهداشته شد. طرفداران بینظیر بوتو در سالهای بعد، (آنگاه که آصف علی زرداری شوهر بی نظیر بوتو به کرسی ریاست جمهوری پاکستان تکیه زد، پرویز مشرف را که در آن زمان (در موقع ترور بینظیر بوتو) بحیث رییس جمهور کشور ایفای وظیفه مینمود، به بی اعتنایی در مورد حفاظت از جان رهبر حزب مردم متهم نموده علیه وی، در محاکم پاکستان اقامه دعوی نمودند. اما تا همین اکنون که این سطور نگاشته میشوند (ماه نوامبر 2013م)، به استثنای حبس خانه گی چند هفته یی، دیگر گزارشی از محاکمه و مجازات پرویز مشرف سراغ نشده است.

تذکر این نکته را نیز لازم میدانم که جنرال پرویز مشرف پس از آنکه مدت چهار سال را (پس از زعامتش) در تبعید اختیاری در دوی و انگلستان سپری نمود، به منظور اشتراک در مبارزات سیاسی و انتخاباتی ماه می سال 2013م ریاست جمهوری پاکستان، وارد کشور شد. ولی چون دوسیه (پرونده) حقوقی و جزایی وی در ارتباط به قتل بی نظیر بوتو و ترور " بگتی" یکی از رهبران جنبش بلوچ و ... در دادگاه اسلام آباد وجود داشت، بنابراین، نه تنها از سوی قوه قضائیه، مستحق اشتراک در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری شناخته نشد، بلکه برای چند روز تحت نظارت خانه گی نیز قرار گرفت و چند باری هم به محضر دادگاه حاضر ساخته شد.

طالبان پاکستانی نیز طی صدور اعلامیه هایی، اظهار داشتند که " پرویز مشرف یکی از هدفهای تروریستی آنها میباشد." هر چند پرویز کیانی رییس ارتش پاکستان و برخی دیگر از جنرالان مقتدر آن کشور از وی (پرویز مشرف) حمایت میکنند، ولی باز هم، مرور زمان، چگونه گی سرنوشت او را روشن خواهد ساخت.

آنچه مسلم است اینست که هم رهبران حزب مردم پاکستان و هم رهبران حزب مسلم لیگ جناح (نواز شریف)، روی دلایل متعدد، خواهان محاکمه و مجازات پرویز مشرف بودند. بخصوص حزب مردم پاکستان عمدتاً بخاطر ترور بینظیر بوتو که ادعا میشود به همکاری جنرال مذکور صورت پذیرفت و حزب مسلم لیگ بخاطر کودتایی که علیه رهبران حزب (نواز شریف) در سال 1999م توسط جنرال پرویز مشرف و همکاران نزدیک وی انجام داده شد و او را (نواز شریف را) پس از تحقیر و شکنجه، به عربستان سعودی تبعید نمود. همین اکنون که این سطور نگاشته میشوند، جنرال پرویز مشرف بالاخر حکم دادگاه، در حبس خانه گی بسر میبرد.

## مختصری از زنده گینامه بینظیر بوتو

بینظیر بوتو به روز بیست و یکم ماه جنوری سال 1953 میلادی در شهرک " لارکانه " واقع در ایالت سند پاکستان، در یک خانواده زمین دار مرفه و سرشناس به دنیا آمد. پدرش ذولفقار علی بوتو مؤسس حزب مردم و صدراعظم سابق پاکستان بود که در سال 1978م توسط جنرال ضیاالحق اعدام گردید. بینظیر بوتو دوره تحصیلات ابتدایی و ثانوی را در شهر های کراچی و راولپنڈری به پایان بُرد. از سال 1969 تا 1973 میلادی غرض ادامه تحصیلات عالی، شامل دانشگاه " هاروارد " ایالات متحده امریکا گردید. موصوفه از سال 1973 تا 1976 میلادی در دانشگاه مشهور " آکسفورد " لندن در رشته های قانون، فلسفه، سیاست و اقتصاد تحصیل نمود و در ختم تحصیلات به پاکستان برگشت و عضویت حزب مردم پاکستان را که پدرش (ذولفقار علی بوتو) مؤسس و رهبران بود، حاصل کرد.

بینظیربوتو در انتخابات سال 1988م به پیروزی رسید و برای نخستین بار به عمرسی و پنج سالگی بعنوان یک زن و آنهم در یک کشور اسلامی مانند پاکستان، به کرسی صدارت آن کشور تکیه زد و بهمین دلیل، مورد خشم و نفرت بنیاد گرایان متعصب پاکستانی قرار گرفت. او در ماه دسامبر سال 1987م با آصف علی زرداری یکی از سرمایه داران بزرگ پاکستان ازدواج نمود و از او یک پسر و یک دختر به دنیا آورد. چون بینظیربوتو، با نظامیان قدرتمند پاکستان، بخاطر اعدام پدرش بدست آنها، رابطه سرد و شکننده داشت، بنابراین، به مرور زمان، تحت فشار سیاسی و تبلیغاتی آنها نیز قرار گرفت. یعنی ازدواج (نظامیان و تندروان اسلامی) آماج تبلیغات واقع شد. رقبای سیاسی اش، او را به فساد مالی و سواستفاده از مقامش متهم کردند و عاقبت، از سوی قدرتمندان نظامی و مذهبی از اریکه قدرت رانده شد و رهسپار انگلستان گردید.

بینظیربوتو پس از دوری چند ساله از کشورش، باردیگر در قبال اوضاع متشنج پاکستان و در نتیجه تبانی با ابر قدرت امریکا، در سال 2007 میلادی به پاکستان بازگشت، ولی در مسیر راه میان میدان هوایی و محل اقامت او، دو بمب قوی منفجر گردید و تعداد زیادی از وسایط نقلیه و پیروان حزب مردم پاکستان را نابود کرد. قرار گزارشهای رسمی در آن زمان، به تعداد یکصد و پنجاه نفر کشته و چهارصد نفر دیگر زخمی شدند. اما شخص بینظیربوتو جان به سلامت بُرد. او مسلماً میدانست که دشمنان سوگند خورده مختلفی علیه او در کمین نشسته اند. ( نظامیان - تروریستهای القاعده، طالبان و بنیادگرایان پاکستانی). عاقبت به روز بیست و هفتم ماه دسامبر سال 2008 میلادی بود که باز در یک اجتماع بزرگ مربوط به کمپاین انتخاباتی، مورد هدف دقیق انتحاری قرار گرفت و به قتل رسید.

دلیل عمده هدفگیری بوتو این بود که او، دیگر به این نتیجه رسیده بود که در صورت بقدرت رسیدن مجدد، باید علیه افراط گرایی و تروریسم مبارزه " قاطع" نماید. چنانکه پس از بازگشت

اخیرش به کشور، ضمن سخنرانی های پُر حرارتِ انتخاباتی در جمع پیروانِ خویش، از گروه های تروریستی و طالبانِ پاکستانی شدیداً انتقاد بعمل می آورد و اعمالِ آنان را محکوم مینمود. در پرتو چنین سیاستِ جدیدِ بوتو بود که هم نظامیانِ پاکستانی، بخصوص منسوبین شبکهٔ آی.اس.آی احساس نا راحتی میکردند و هم تروریستهای القاعده و گروه های مذهبی و افراط گرای دیگر.

(ادامه دارد)